

## طبلِ باز: یک ابزار و دو کاربرد (با تکیه بر بیتی از شاهنامه فردوسی)

محمود عالی پور<sup>۱</sup>

### چکیده

این نوشتار کوششی برای دریافت مفهوم دیگری از واژه «طبلِ باز» بوده که در فرهنگ‌ها وارد نشده است. هرچند که در لغت‌نامه‌ها به معنا و کاربرد «طبلِ باز» به عنوان ابزاری برای شکار پرندگان، پرداخته‌اند، اما جای‌گیری این واژه در بیت زیر از شاهنامه فردوسی و ابهاماتی که برای شارحان شاهنامه به وجود آورده بود، بهانه‌ای شد که نگارنده جستاری تازه را درباره این واژه پی‌گیرد و ضمن بررسی معنای مضبوط در واژه‌نامه‌ها، با ارائه شواهد گوناگون از آثار نظم و نثر متون فارسی و عربی، بیان کند که «طبلِ باز» تنها در شکارگاه استفاده نمی‌شده است و می‌توان کاربرد دیگری از این ابزار را در صحنه‌های نبرد متون حماسی، تاریخی و داستان‌ها مشاهده کرد.

فردوسی می‌گوید:

چو خورشید بر چرخ بگشاد راز سپهدار جنگی بزد طبلِ باز

کلیدواژه‌ها: شاهنامه فردوسی، طبلِ باز، باز، شکار، نبرد.

## ۱ - مقدمه

در ضبط معنای واژگان و شرح آثار ادبی، اعتماد صرف به آرای گذشتگان و تکرار هر آنچه که فرهنگ‌نویسان گفته‌اند، بدون در نظر داشتن درون‌مایه یک متن ادبی، دامی است که گاه پژوهشگران متون ادب فارسی به آن گرفتار آمده‌اند. این نکته قابل تأملی است که در تدوین فرهنگ‌ها، نگاهی همه‌جانبه داشته باشیم و به ظرفیت‌های معنایی هر واژه توجه کنیم. نباید از این نکته غافل بود که معنای واژگان در قالب یک متن است که خودنمایی می‌کند و هر واژه ممکن است که در جایگاه‌های گوناگون، معنایی متفاوت با آنچه که مقبول همگان است، داشته باشد. از سویی با توجه به پیشینه ذهنی پژوهشگران نسبت به معنای مأنوس و مضبوط لغات، به کار رفتن واژگان در جایگاهی خلاف آنچه که انتظار می‌رود، نیز موجب سردرگمی شارحان و محققان می‌شود که در این صورت یا به ارائه نظرات پراکنده و نامستندی منجر می‌شود و یا به سکوت و بی‌توجهی منتهی خواهد شد. بنابراین لازم می‌نماید که در پژوهش‌های واژگانی به خاستگاه واژگان که همانا متون نظم و نثر بازمانده از میراث کهن ادبی است، بیش از پیش توجه شود و دریافت معنای هر واژه را مشروط به مطالعه و دقت نظر در آثار مکتوب دانست.

یکی از واژگان مضبوط در فرهنگ‌ها، واژه «طبل باز» است. هر چند مفهوم ارائه‌شده از این لغت در واژه‌نامه‌ها با توجه به شواهد آن، صحیح می‌نماید، اما بی‌ارتباطی معنای مشهور آن با بیت زیر که به سکوت، ابهام و گزارش اشتباه شارحان شاهنامه فردوسی منتج شده است، نویسنده را بر آن داشت تا با طرح دوباره این واژه، جستجوی تازه را از سرگیرد و با مطالعه متون تاریخی و ادبی، به کاربرد متفاوت واژه مزبور در این بیت از شاهنامه پی‌برد. واژه «طبل باز» تنها یک‌بار در شاهنامه فردوسی به کار رفته که در چاپ خالقی مطلق این گونه ضبط شده است:

چو خورشید بر چرخ بگشاد راز سپهدار جنگی بزد طبل باز  
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۸/۱۵۳)

می‌توان گفت که همین موضوع (= اندک بودن استعمال واژه) نیز در مبهم ماندن جایگاه معنایی آن بی‌تأثیر نبوده است. این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که آیا می‌توان کاربردی و رای آنچه که فرهنگ‌ها برای این واژه برشمرده‌اند، تصور کرد؟ به دنبال این پرسش، مطالعه شروع شاهنامه و فرهنگ‌های عمومی و تخصصی موجود، سرآغاز بحث خواهد بود.

اما پیش از بررسی شروع و فرهنگ‌ها، لازم می‌نماید که گذری کوتاه بر درون‌مایه و محتوای ابیات پیشین این بیت داشته باشیم: در ابتدای پادشاهی خسرو پرویز، بهرام چوبینه بر لشکر خسرو شیبخون می‌زند و خسرو به روم می‌گریزد. در این میان حوادثی رخ می‌دهد و سرانجام قیصر روم لشکری را همراه خسرو می‌کند و خسرو با سپاهی انبوه برای بازپس‌گیری پادشاهی باز می‌گردد. بهرام با شنیدن خبر بازگشت خسرو به نبرد او می‌رود که با بی‌وفایی سپاهیان خود مواجه شده و چاره‌ای جز گریختن نمی‌یابد. او همراه سپاهیان باقی مانده خود شبی را در خانه پیرزنی

می‌گذراند. فردای آن روز بهرام با نواختن «طبلِ باز» سپاهیان خود را گردمی‌آورد و پس از نبرد با نستوه که به تعقیب بهرام گماشته شده بود، به نزد خاقان چین می‌رود... .

## ۲- نگاهی به فرهنگ‌ها

### ۱-۲- فرهنگ‌های عمومی

فرهنگ‌های عمومی درباره این واژه توضیحات مشابه و یکسانی را ارائه داده‌اند. در فرهنگ آندراج می‌خوانیم: «طبلی باشد چون باز را بر مرغان آبی سر دهند دوال بر آن طبل می‌زنند و از آن آواز مرغان می‌پزند پس باز یکی از آن‌ها را شکار می‌کند. میرشکاران و قراولان اسب دارند و ترکان اکثر دارند» (پادشاه، ۱۳۳۶: ۴/۲۸۱۶). غیاث‌اللغات با توضیحی شبیه گفته آندراج آن را تقارن کوچکی دانسته که بازداران و میرشکاران داشته‌اند (ر.ک: رامپوری، ۱۳۶۳: ۵۵۶). ناظم‌الاطباء در این‌باره گفته است: «طبل کوچکی که به زین آویزان می‌کنند» (نقیسی، ۱۳۴۳: ۳/۲۲۲۹). دهخدا ضمن نقل قول از آندراج، در ادامه افزوده است: «دهل خردی که پیش کوهه زین برای شکار ملوک زنند» (ر.ک: دهخدا، ذیل طبل).<sup>۳</sup>

### ۲-۲- فرهنگ‌های تخصصی

از میان فرهنگ‌های تخصصی موسیقی، حسینعلی ملاح در کتاب «فرهنگ سازها» ضمن بیان گفته آندراج، می‌نویسد: «سازی است از خانواده آلات موسیقی کوبه‌ای، از رده طبل که پوست در ساختمان آن به کار رفته است» (ملاح، ۱۳۷۶: ۴۸۲). «واژه‌نامه موسیقی ایران زمین» نیز آن را طبلی ویژه شکار و برگرفته از واژه طبل و باز (= پرند شکاری) دانسته و نام دیگر آن را طبله‌السحر (طبلی که پرندگان را جادو می‌کند) گفته است. همچنین بیان داشته که این طبل در پیش زین اسب آویخته می‌شده و آن را هنگام شکار پادشاهان با نواری از چرم می‌نواخته‌اند (ر.ک: ستایشگر، ۱۳۷۵: ۲/۱۵۵). فارمر ضمن رد این نظر که طبل باز از ترکیب طبل + باز (= شاهین/پرند شکاری) است، طبل باز را برگرفته از طبل + باز (= نواز) و در معنی طَبَّال (= طبل‌زن) دانسته است، اما با این حال در ادامه به نقل از سیاحت‌نامه اولیا چلبی، آن را نوعی از طبل برشمرده که در واژه‌نامه‌های فارسی ضبط شده است (ر.ک: Farmer, 1936: 13).<sup>۴</sup>

این واژه در هیچ‌یک از فرهنگ‌های تخصصی شاهنامه ضبط نشده است و تنها علی‌رواقی ذیل مدخل «طبل‌زدن» با تیره‌کردن عبارت «بزدطبل» بیت مورد پژوهش را همراه با بیتی دیگر از شاهنامه برای شاهد این مدخل آورده و گفته است: «طبل‌زدن: بر طبل کوبیدن که بیشتر به هنگام حرکت لشکریان برای جنگ انجام می‌گرفته است... چو خورشید بر چرخ بگشاد راز/ سپهدار جنگی بزدطبل باز» (ر.ک: رواقی، ۱۳۹۰: ۲/۱۶۵۳).

مطالعه آثار مربوط به پرندگان و به ویژه کُتب معروف به «بازنامه» اگرچه در دسته‌بندی فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌ها جای نمی‌گیرند، اما از منابع اصلی پژوهش درباره «باز» و «طبل باز» به شمار می‌آیند.<sup>۵</sup>

### ۳- نگاهی به شروع و گزارش‌ها

از میان شروع و توضیحات بازمانده از شاهنامه، تنها آثار زیر به توضیح بیت موردنظر پرداخته‌اند که در ادامه بررسی خواهند شد.

#### الف) یادداشت‌های شاهنامه

خالقی مطلق در یادداشت‌های خود درباره این بیت، اشاره‌ای به طبل باز نداشته و به توضیح واژه جنگی «=دلاور و مبارز» بسنده کرده است (ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ۴/۸۵).

#### ب) نامه باستان

کزازی در شرح این بیت نوشته است: «طبل باز می‌باید در معنی طبل بازگشت باشد. هرچند این طبل را شامگاهان برای بازگرداندن سپاه از آوردگاه و آسودن می‌کوفته‌اند. از دیگر سوی طبل باز بیشتر در معنی طبلی به کار رفته است که در شکار مرغان می‌کوفته‌اند تا آنها بهراسند و برپرند و شکارگران بتوانند با پرانیدن باز، یکی از آنها را شکارکنند» (کزازی، ۱۳۸۷: ۹/۳۸۲). او در ادامه به ابیاتی از سلمان ساوجی و غزلیات شمس برای کاربرد واژه طبل باز در معنای طبل بازگشت استشهد کرده است (ر.ک: همان‌جا).

#### ج) شاهنامه به اهتمام توفیق سبحانی

توفیق سبحانی نظر خود را در پانویشت شاهنامه، این‌گونه بیان داشته است: «یعنی چون خورشید در آسمان درخشید، سالار سپاه طبل جنگی را به صدا درآورد» (فردوسی، ۱۳۸۵: ۲/۲۲۱۷).

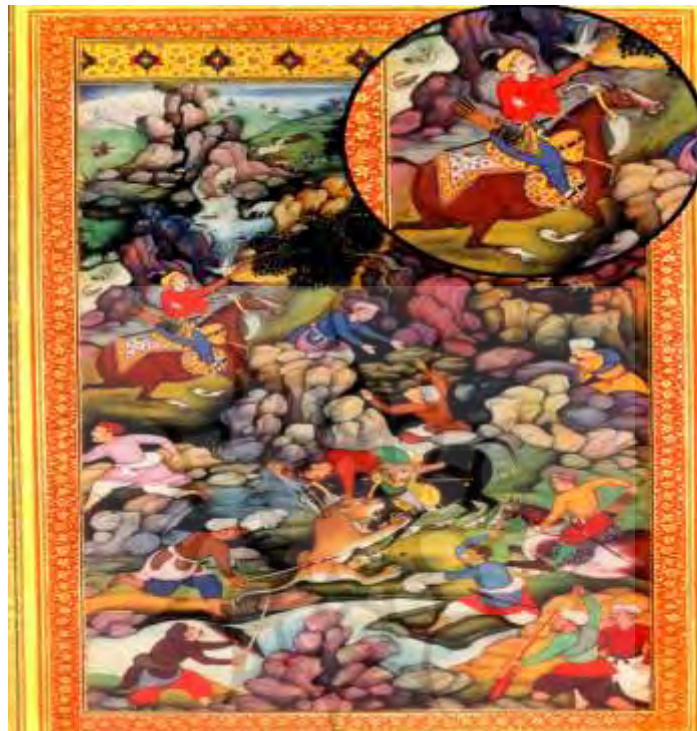
#### د) شاهنامه بنداری

در ترجمه عربی شاهنامه، اشاره‌ای به طبل باز نشده و تنها از فرار بهرام و یاران او سخن گفته شده است: «ولما أصبح لحقه أصحابه وأعلم بأن برويز قد نفذ خلفه العسكر فركب فی أصحابه» (بنداری، ۱۹۷۰: ۲/۲۱۸).

### ۴- بحث و بررسی

آنچه که از بررسی فرهنگ‌های یادشده و کتب بازنامه درباره طبل باز به‌دست می‌آید، ویژگی‌هایی است که به آن اشاره می‌شود: ۱. طبل کوچکی بوده که در پیش زین می‌آویخته‌اند. ۲. از آلات موسیقی کوبه‌ای دارای پوست بوده است که با دوال بر روی آن می‌کوبیده‌اند. ۳. کاربرد آن در شکارگاه و برای شکار مرغان و پرندگان کوچک بوده

است. ۴. معمولاً میرشکاران و بازداران همراه خود داشته‌اند. ۵. وجه تسمیه آن به این دلیل بوده است که این طبل در آموزش «باز = پرنده شکاری» به کار می‌رفته و به هنگام نواختن این طبل و پرواز پرندگان، باز برای شکار آن پرندگان به پرواز در می‌آمده است. ۶. در شکل (۱) کاربرد طبل باز در شکارگاه به خوبی نمایان است. ۷.



شکل (۱) «شکارگاه / مرقع گلشن، نیمه نخست سده ۱۱ هـ.ق» (شاهکارهای نگارگری ایران، ۱۳۸۴: ۴۵۱).  
(به تصویر درآمدن طبل باز کنار زین اسب و مشاهده شکل «باز» بر دست شکارچی).

در بررسی کتاب «فرهنگ شاهنامه» با توجه به تیره کردن بزطبل و ایجاد فاصله بین طبل و باز در استشهد بیت مورد نظر، می‌توان گفت که احتمالاً علی رواقی واژه «طبل» را به معنای عام آن و واژه «باز» را در نقش دستوری «قید» دانسته است. در غیر این صورت می‌بایست که مدخل جداگانه‌ای برای واژه «طبل باز» در نظر می‌گرفت و آن را توضیح می‌داد.

خالقی مطلق درباره این واژه به دور از اظهار نظرهای پراکنده، در مقام سکوت درآمده است. کزازی ابتدا طبل باز را معادل «طبل بازگشت» دانسته و در ادامه گفته است که طبل باز را در شکار مرغان می‌نواخته‌اند. از نوع سخن کزازی دانسته می‌شود که کاربرد این واژه در بیت مورد نظر برای او مبهم بوده و به ناچار نظرات گوناگونی را در این باره

به کار برده است. در نقد نظر کزازی باید گفت که: ۱. هیچ شاهد و نمونه‌ای در فرهنگ‌ها و متون ادبی دال بر اینکه طبل باز به معنی «طبل بازگشت» بوده باشد، وجود ندارد. احتمالاً واژه «باز» معنای بازگشت را به ذهن ایشان متبادر کرده است و یا اینکه عبارت «بازآمد» در بیتی که از مولانا به آن استشهاد کرده است، موجب چنین گمانه‌ها شده باشد. ۲. همان‌گونه که خود نیز اشاره کرده است، طبل بازگشت را در شب و برای بازگرداندن لشکر از آوردگاه می‌نواخته‌اند، حال آنکه از محتوای بیت کاملاً مشخص است که بهرام، طبل باز را در صبحدم و در آغاز حرکت سپاهیان، کوبیده است. توفیق سبحانی اشاره واضحی به طبل باز نداشته و به توضیح کلی بیت پرداخته است. آنچه که از پانوش متن ویراسته او دریافت می‌شود، این است که منظور او از طبل جنگی (معادل: «طبل حربی» در زبان عربی)، به طور عام هر نوع طبلی بوده که در جنگ‌ها و هنگام شروع نبرد به کار می‌رفته است. بنابراین می‌توان گفت که نگاه توفیق سبحانی به طبل باز به عنوان ابزاری با مفهوم و ماهیتی مستقل نبوده است.

با این توضیحات مشخص می‌شود که وجود معنایی ثانویه برای واژه طبل باز، از چشم فرهنگ‌نگاران دور مانده است؛ همچنین درمی‌یابیم که هیچ‌یک از صاحب‌نظران نسبت به کاربرد طبل باز در بیت مزبور از شاهنامه، نگاهی پرسشگرانه نداشته و هر کدام نظرات متفاوت خود را نگاشته‌اند. حال آنکه در مواجهه با این بیت و با توجه به نکات موجود در فرهنگ‌ها، این پرسش پیش می‌آید که چرا فردوسی در توصیف ماجرای نبرد خسرو و بهرام، از طبلی که در شکار پرندگان استفاده می‌شده، نام برده است؟

پاسخ به این پرسش با مطالعه آثار تاریخی و ادبی موجود امکان‌پذیر خواهد بود. در این راستا تلاش شده است که با بررسی متون در دسترس نظم و نثر ادب فارسی و عربی و ارائه شواهدی مستند و نیز با استناد به نگاره‌های کهن شاهنامه، اثبات شود که «طبل باز» علاوه بر استفاده در شکارگاه، با اغراض گوناگونی در صحنه نبرد و آوردگاه نیز به کار می‌رفته و جای‌گیری این واژه در بیت مورد پژوهش، ناسازگار با محتوای این بخش از شاهنامه نبوده است.

شاهد نخست، مصراعی از شاهنامه فردوسی است که مانند بیت مورد نظر این جستار، بی‌توجهی و سکوت شارحان را به دنبال داشته است. این مصراع در میان آیات مربوط به «شیخون کردن افراسیاب بر کیخسرو» ضبط شده است:

چو رفتند نزدیک پرده‌سرای برآمد خروشمیدن کزّنه‌ای  
عو طبل بر کوهه زین بخاست درفش سیه سر برآورد راست  
 (فردوسی، ۱۳۸۹: ۲۷۴/۴)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، لشکر افراسیاب هنگام ورود به اردوگاه کیخسرو، طبل آویخته شده بر کوهه زین را نواخته‌اند. تا جایی که نگارنده این سطور بررسی کرده است، تنها طبلی که بر کوهه زین اسب نهاده می‌شده،

«طبل باز» بوده است و آلات کوبه‌ای دیگر مانند کوس و تبیره بر روی کوهه پیل بسته می‌شده‌اند؛ ابیات زیر برای نمونه بیان می‌شوند.

تبیره ببستند بر پشت پیل      همی برشد آوازشان بر دو میل  
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۴۶/۶)

چو روی هوا گشت چون آبنوس      نهادند بر کوهه پیل کوس  
(فردوسی، ۱۳۸۹: ۱۴۶/۱)

بنابراین می‌توان گفت طبلی که در نمونه بالا به آن اشاره شده است، در واقع همان طبل باز است که در این جستار بررسی می‌شود. چنان‌که در ادامه این گفتار بیان خواهد شد، یکی از کاربردهای طبل باز در زمان شبیخون بوده است که در این گواه از شاهنامه نیز این نکته را مشاهده می‌کنیم.

نمونه دیگر از کتاب مجمل التواریخ والقصص بیان می‌شود: «پس بهرام با هفت هزار مرد به راه آذربایجان بیرون شد، هر سواری طبل بازی داشت و سگ شکاری و بسیاری یوز و شکره و... بهرام همه راه شکارکنان برفت و بی اندازه از هر جنس زنده بگرفت و با خود ببرد. و ناگاه به شب اندر به راه قومش برفت و پیرامون سپاه خاقان آن هفت هزار مرد را پراکنده‌بداشت تا همه طبل همی زدند و شکار را یله فرمود کردن و یوز و سگ بگشادند و سپاه خاقان از آواز چندان طبل باز و شورش شکار پنداشتند بدان شب اندر که جهانی سپاه آمد. دست به تیغ در یک‌دگر نهادند و سپاه بهرام تا روز گشت، جز طبل نزدند، چون روز روشن شد ترکان اندکی ماندند و ایرانیان حمله‌بردند و ایشان را سپری کردند و چنان بزرگ فتحی برآمد» (۱۳۱۸: ۷۰). همان‌گونه که از محتوای این جملات دریافت می‌شود، لشکر بهرام در شبیخونی که به سپاه خاقان زده‌اند با نواختن طبل باز و ایجاد غوغا و شورش موجب سردرگمی ترکان شده‌اند، تا جایی که سپاه ترک سراسیمه و با تصور اینکه دشمن در میان آن‌ها رخنه کرده‌است، یک‌دیگر را به اشتباه می‌کشند.

شاهد دیگر از نوشته ابن بلخی بوده که به نظر می‌رسد حکایت پیش گفته‌شده از کتاب مجمل التواریخ را به گونه‌ای دیگر در فارسنامه خود بیان کرده است. در حکایت فارسنامه، بهرام با سپاهیان خود قرار می‌گذارد که هنگام شبیخون: «چون از سرپرده خاقان فغان برآید ایشان از چهارگوشه نعره‌زنند و بهرام‌گور ای منصور نعره‌زنند و طبل‌ها فروکوبند» (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۸۰). در ادامه هنگامی که خاقان کشته می‌شود، لشکر بهرام این چنین می‌کنند: «در اندرون رفتند و خاقان مست خفته بود، بهرام به دست خویش سرش برید و بیرون آورد و بر پشت بارگی خویش نشست و سر او بر نیزه‌ای کرد و فرمود تا بانگ برآوردند و طبل باز فروکوفتند و نام بهرام‌گور بردند و آتش در نوبتی خاقان زدند و دیگران چون این آوازه شنیدند از چهارسو بانگ برزدند و طبل‌های باز فروکوفتند و اضطراب در آن لشکرگاه افتاد و پسران خاقان روی بسرپرده پدر آوردند که ندانستند که چه افتاده است... و ایشان بهم برآمدند و

شمشیر در یکدیگر نهادند» (همان: ۸۱).<sup>۸</sup> در این حکایت نیز می‌بینیم که هنگام شبیخون، لشکر خاقان با نواختن طبل باز دچار اضطراب شده و به جای دشمن، یکدیگر را می‌کشند.

در «سمک عیار» سه نمونه از کاربرد طبل باز را در صحنه نبرد مشاهده می‌کنیم.<sup>۹</sup> در شاهد نخست آمده است: «روزافزون گفت: ای فرخ، من چنین کارها می‌کنم، بیامد و هر سه را سر برید و بر سر راه بینداخت. اسب‌های ایشان بر سر راه ایستاده، طبل‌های باز از اسبان بگشادند و روی به کوه نهادند. بر بالای سنگی نشستند و نگاه می‌کردند تا لشکر برسیدند... که ناگاه روزافزون و فرخ، طبل فروکوفتند و آواز برآوردند که: تا جهانست فرخ روز باد، که همه دشمنان چنین کشته خواهند شد» (ازجانی، ۱۳۶۳: ۵/۳۴۲). نمونه دیگر را در آنجا می‌بینیم که: «مردان دخت گفت: ای طومار، تو بدان جانب رو و طبل باز بزن تا من از این جانب که لشکر اندک‌اند؛ اما زینهار که خود را به دست ایشان می‌فکن... مردان دخت از این جانب طبل باز فروکوفت که تا جهان است فرخ‌روز فرخ باد؛ و طومار همچنین گفت. چون آواز طبل باز مخالف به گوش سپاه قابوس رسید، در جوش آمدند و تیغ‌ها برکشیدند و در هم افتادند... لشکر در هم افتاده از یکدیگر می‌کشتند» (همان: ۳۵۸). در بخش دیگری از این کتاب می‌خوانیم: «مردی پنج‌هزار سوار سلیح پوشیدند، روی به راه نهادند تا به دره آمدند، بر سر راه مقام کردند که روز دیگر ملکه برسید. لشکر دید فرودآمده و طبل باز می‌زنند و فریاد می‌دارند و نشاط می‌کنند چون کسانی که مصاف خواهند» (همان: ۵۱۹). در بررسی این شواهد نکاتی را می‌توان برشمرد: ۱. «طبل باز زدن» به همراه فریاد زدن و نشاط کردن از نشانه‌های مصاف‌خواستن و آمادگی برای نبرد دانسته شده است. ۲. مانند نمونه‌های پیشین، لشکر مقابل با رخنه کردن دشمن در میان خود و کوبیدن طبل باز دچار آشوب و غوغا شده‌اند و به جای دشمن بر روی هم تیغ می‌کشند. ۳. احتمالاً در روزگار کهن، رسم بر این بوده است که در میدان نبرد و هنگام نواختن طبل باز، با بردن نام پادشاه و یا سرداران خود و دادن شعارهایی مانند «زنده‌باد و پیروز‌باد» شادی می‌کرده و در سپاه دشمن شورش و اضطراب می‌انداخته‌اند؛ چنان‌که در دو نمونه ابتدایی سمک-عیار، با کوبیدن طبل باز، شعار «تا جهان است فرخ‌روز فرخ‌باد» داده می‌شود. همچنین می‌توان به نمونه پیش گفته شده از فارسنامه اشاره کرد که پس از پیروزی بهرام، سپاهیان با کوبیدن طبل باز نام بهرام‌گور را می‌برند و نعره «بهرام‌گور ای منصور» سر می‌دهند.

بیت زیر از ظهیر فاریابی که در ستایش «اتابک نصرت‌الدین» آمده، نیز بیانگر استفاده از طبل باز در زمان شبیخون

است.<sup>۱۰</sup>

نام جویان از شکوه رتبی کان در شه است طبل باز هیبت از بهر شبیخون می‌زنند

(ظهیرالدین، ۱۳۳۷: ۹۵)

گواه دیگر، حکایتی است که در تاریخ طبرستان این‌گونه ضبط شده است: «چهارهزار نفر حشر جمع کرد از زن و مرد و هر یک را تبری و دهره‌ای به دست داد، گفت من با صد مرد بیرون خواهم رشد و خویشتن را به فراشه نمود.



چون ایشان مرا ببینند پشت برگردانم تا به قفای ما به امید نصرت بیایند، شما هم چنان صف کشیده از هردو جانب خاموش باشید تا ایشان تمام درون کمین آیند، چون من طبلِ باز فروکوبم، چهارصد بوق دمیدن و طبل زدن گیرید... همچنان که گفت فراشه را با لشکر او در کمین آورد و چون آواز طبل و تیر و دهره از دو جانب به یک بار به گوش ایشان رسید متحیر و سراسیمه شدند و گمان افتاد صاعقه قیامت است» (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۱۸۶). در این نمونه هم آشنفتگی و حیرت لشکریان فراشه را بر اثر غافلگیری و کوبیدن طبل باز مشاهده می‌کنیم.

در کتاب ابو مسلم نامه نیز سندی یافت شد که بیانگر کاربرد طبل باز در صحنه نبرد است: «خارجی ای در میدان آمد که او را سالم طبل گفتندی. طبل بازی بسته بود، چون به میدان آمد، طبل باز را بزد. فرزدق گفت: این طاس جام چیست که در پیش زین بسته‌ای و این خودنمایی می‌کنی؟ اگر مردی داری بنما! سالم گفت: این را طبل باز می‌گویند، و پدر من کوسچی بود و دایم مرغ آبی و کبک بسیار گرفتی. اکنون من تو را چون کبک از پشت زین خواهم ربودن» (طرسوسی، ۱۳۸۰: ۳۹۵). با توجه به این شاهد، می‌توان گفت که طبل باز را برای نشاط و خودنمایی و همچنین تضعیف روحیه دشمن و تحقیر او در میدان جنگ به کار می‌برده‌اند. طرسوسی در این بخش با بیانی تمثیلی، وجود طبل باز را در میدان نبرد توجیه می‌کند. او با ایجاد فضای پرسش و پاسخی میان دو مبارز و تصویرسازی و تشبیه سالم طبل به باز و مانند کردن فرزدق به کبک، طبل باز را در میدان جنگ، ابزاری برای شکار فرزدق که همچون کبکی در چنگال سالم است، به تصویر کشیده و به این ترتیب حضور طبل باز را به عنوان یک جنگ‌افزار تبیین می‌کند. از شواهد مهم دیگری که می‌تواند مؤید کارکرد ثانویه طبل باز در رزم‌گاه باشد، ذکر نام این طبل در کتاب «آداب الحرب و الشجاعة» و در کنار سایر آلات موسیقی جنگی است. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «و آنچه در حصارگشادن باید این است. نردبان لپفین و ریسمانی و کنب سرچنگال و خرک و مترس و ده مرد و منجنیق و عراده گردان ... و دیگر طبل و دمامه و دهل و کاسه و بوق و سنج و طبل باز و دهل زن و بوقی و چوبک زن و ...» (فخر مدبر، ۱۳۴۶: ۴۲۳).

نمونه‌های زیر از همایون‌نامه نیز به استفاده از طبل باز در جریان لشکرکشی اشاره دارد. شاهد اول در بخش «آمدن یعقوب لیث به حرب معتمد خلیفه» آمده است:

سپیده که سلطان چارم‌سرای      بیاراست گیتی به روی و به رای  
برآمد خروشیدن طبل باز      روان شد سپاه از نشیب و فراز  
به لشکر بفرمود حالی امام      که تا برکشیدند تیغ از نیام  
(زجاجی، ۱۳۸۳: ۷۷۴/۲)

می‌بینیم که ساختار و محتوای این ابیات، مانند بیت مورد نظر این مقاله است و در اینجا هم طبل باز را در سپیده دم و هنگام حرکت لشکر کوبیده‌اند. شاهد دیگر از همایون‌نامه در بخش «خلافت واثق» آمده است. زمانی که

احمد نصر خروج کرد؛ عده‌ای گردآمدند و سپاهی را به نبرد خلیفه روانه کردند. سپاهیان بر اثر مستی در راه شروع به کوبیدن طبل می‌کنند و به این ترتیب والی خلیفه از تجمع آنها باخبر شده و سران فتنه را دستگیر می‌نماید.

ز اول سوی خان احمد شتافت ورا خفته در خانه خویش یافت  
گرفت و بپرسید از آن مرد باز که برگو که زد تیره شب طبل باز  
چگونه در این شهر غوغاکنی چنین فتنه ناگاه پیداکنی  
(همان: ۶۳۴)

مؤلف ناشناخته «تاریخ آل سلجوق در آناتولی» نیز از این طبل یاد کرده است: «در سنه اثنین و سبعین و خمسماه خبر آوردند که ملک روم ارمانول قصد ولایت اسلام کرد. لشکری دارد که یک‌روزه راه مسافت لشکرگاهست... به قونیه آمد خبر به قیصریه به سلطان رفت. هزار و هفتصد سوار گزین کرد. در اول شب طبل‌باز (کذا) زد، بر کفار حمله کرد تا روز شدن کافران شکسته شدند» (۱۳۷۷: ۸۲).

استناد دیگر نگارنده به بخشی از ظفرنامه شامی است که در آن به نواختن طبل باز در زمان حمله اشاره شده است. «و هربار که بر دشمن حمله کردی و بیرون رفتی طبل باز که پیش اسب خود داشت می‌زد» (شامی، ۱۹۵۶: ۹۶/۲).

شرف الدین علی یزدی نیز در «ذکر محاربه قراولان و کشته شدن امیر ایکوت‌مور» از این طبل سخن گفته است: «و در آن معرکه جلال حمید و ظایف نیکو بندگی بجای آورده، با سی کس بر سه قوشون از لشکر دشمن که در مقابل او بودند، حمله کرد. آثار جلادت و دلاوری به ظهور رسانید و زمان زمان طبل باز فروکوفته، شیرنگ رعده شیهه برق آهنگ را با قطاس هیبت و باس به هر جانب می‌تاخت» (شرف الدین علی یزدی، ۱۳۸۷: ۶۵۹/۱).

در این نمونه نیز مشاهده می‌شود که طبل باز در رزم‌گاه استفاده می‌شده است: «و میرزا سلطان حسین با فوجی از بهادران ظفرشعار بر طرف یسار لشکر به طریق کوماک ستاده بودند و نظاره جلادت میرزا یادگار محمد می‌فرمودند. چون دیدند که لشکر پریشان شد و سپاه از پا درآمد و اختیار از دست می‌رود به نفس مبارک عزیمت قتال نمود و دوال دولت بر طبل اقبال کوفت و لشکر متفرق چون آواز طبل باز پادشاه شنیدند جوق جوق بازگشته در سایه رایت دولت که مطلع آفتاب نصرت بود جمع آمدند و آن حضرت حمله کرد» (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۷۲: ۱۰۲۹/۲).

از شواهد دیگر حکایاتی است که بیغمی در دو اثر ارزشمند خود یعنی داراب‌نامه و فیروزشاه‌نامه به آن‌ها پرداخته است. نخست حکایت داراب‌نامه: «شبی بود عظیم تاریک و ابر سیاه عالم را تاریک کرده... از قفای ایشان سپاه ایران چون قضای مبرم درآمدند و طبل‌های باز را فروکوفتند و نعره‌ها زدند که ای حرام‌زادگان جان کجا برید! امرای ایران هریک نام و نسب خود بگفتند و در آن قوم افتادند و کشتن گرفتند» (بیغمی، ۱۳۴۱: ۱۳۸/۲). ضبط این واژه را در دو بخش از فیروزشاه‌نامه نیز مشاهده می‌کنیم؛ نخست زمانی که دانک عتبار قصد شیخون دارد: «چون شب از دودانگ

بگذشت، دانک عیار گفت اکنون وقت کار است بیائید و خود پیش افتاد و آن سپاه از عقب دانک می آمدند تا از قفای سپاه ایران در آمدند و یک بار طبلِ باز فروکوفتند و خود را بر آن سپاه زدند» (همو، ۱۳۸۸: ۶۰-۵۹). و بار دیگر هنگامی که اردوان قصد غافلگیری کردن سپاه ترکان را داشته است: «مصلحت آن است که ما از چهار طرف ایشان در آنیم و نعره زیم و چندکس را بکشیم و نام سرداران ایران زمین را ببریم و جهدکنیم که در میان نرویم... از چهار طرف ایشان در آمدند و نعره زدند و طبلِ باز فرومی کوفتند و نام گردان ایران می بردند... مردم سراسیمه می شدند... هرکس از هر طرف می - دیدند، چون به هم می رسیدند از بیم جان تیغ در هم می نهادند» (همان: ۲۵۶). این سه مثال نیز مانند نمونه های یادشده پیشین، وجود طبلِ باز را در آوردگاه برای غافلگیری و شیخون و در نتیجه آشفتگی و شکست دشمن، به نمایش گذاشته است. همچنین تکرار این رسم که هنگام کوبیدن طبلِ باز به یادکرد نام پادشاه و پهلوانان خود اقدام می کرده اند، قابل مشاهده است.

گواه دیگر از کتاب *روضات الجنات* نقل می شود: «حضرت اعلی به نفس مبارک آهنگ جنگ و عزم رزم فرمود... و دوال اقبال بر طبلِ باز نصرت شعاع کوفت، لشکر متفرق چون صدای طبلِ باز شاه شنیدند جوقاً جوقاً، فوجاً فوجاً، صفافصفاً در ظلّ رایت (نصرت) سرایت همایون، که مهبط آیات نصرت و دولت روزافزون است جمع آمدند» (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۴۱).<sup>۱۱</sup> مشاهده می کنیم که طبلِ باز در اینجا برای گرد آمدن و تجمع لشکر به کار رفته است. واژه طبلِ باز در بین ابیاتی از شاه اسماعیل نامه نیز وارد شده است. در این نمونه، بزم سرداران برای مشورت پیش از نبرد توصیف شده و شاعر برای نمایش تصویر بزم آرای، هر یک از ابزار رزم را در برابر لوازم بزم در این ابیات نشانده است؛ به گونه ای که ابزار رزم جای خودشان را به آلات بزم داده اند. طبلِ باز هم در این تصویرسازی به عنوان یکی از آلات حرب تبدیل به خُم باده شده است.

شکستند بهر طرب ساز جنگ      شد از پرچم طوق ها تار چنگ  
چو اسباب نقل و می آماده شد      کله خود زر ساغر باده شد  
خُم باده شد از طرب طبلِ باز      ز تار نوا مطربش کرده ساز...  
خُم باده شد کوس رویین خروش      خُم نه سپهر آمد از وی بجوش  
(قاسمی، ۱۳۸۷: ۲۱۷-۲۱۶)

در تذکره همایون و اکبر، طبلِ بازی از جنس نقره را در توصیف آوردگاه مشاهده می کنیم: «و در آن لب آب بایزید بعضی از خدمتکاران خود را دید که از جنگ گاه بر آمده اند و یک قطار مایه خالی و اسپ بوز که طبلِ باز نقره داشت و در محل جنگ فرصت نشد که آن اسپ را سوار شود» (بیات، ۱۳۸۲: ۲۶۳).

نمونه زیر از احسن التواریخ که در جریان لشکرکشی قراعثمان به جانب کردستان به آن اشاره شده است، نیز مؤید وجود طبلِ باز در صحنه نبرد است: «دیگر آن که سلطان چکم بعد از وصول سلطان ماردین و اجتماع امرای

کردستان و دیار بکر، در هنگام سواری از روی تفأل بچولی که در دست داشت چنان بر زبان راند که این بچول را بر روی طبل باز می اندازم، اگر چکه و بکه و آچو و دوخان آید ظفر ما راست...» (روملو، ۱۳۴۹: ۲۹-۲۸).  
استناد دیگر نگارنده به نمونه زیر از کتاب «تاریخ الّفی» است که استفاده از این ابزار را در زمان حمله و مبارزه نشان می دهد: «در آن معرکه مردآزمای جلال پسر حمید با سی کس بر سی قشون زده و هر لحظه طبل باز خود را نواخته بر دشمن حمله آورد» (توی، ۱۳۸۲: ۴۸۱۶/۷).

نمونه های پیشین از متون در دسترس ادبیات فارسی بود و اینک برای تبیین بیشتر مسئله، به برخی از شواهد موجود در کتب عربی اشاره خواهد شد. در نمونه زیر از تاریخ «مجموع النوادر» می بینیم که سپاهیان با نواختن طبل باز، حرکت کرده و از بغداد خارج می شوند. «فَرَكَبَ هَلَاوُونَ وَ قَصَدَ بَغْدَادَ. فَلَمَّا نَظَرَ عَمَّ ابْنَ كَرَّ إِلَى هَلَاوُونَ، رَكَبَ وَ مَعَهُ السَّوَادُ الْأَعْظَمُ، صَرَبُوا الطَّبْلَ بَازَاتٍ. فَخَرَجَتِ الْعَسَاكِرُ الْإِسْلَامِيَّةُ مِنْ بَغْدَادِ وَ فَلَكَ الدِّينَ ابْنَ كَرَّ يَبْنِيهِمْ كَالْأَسَدِ الضَّارِي» (خزنداری، ۱۴۲۶: ۸۴/۱). همچنین در بخش دیگر این کتاب و در ذکر لشکری که در کناره جسر بغداد ایستاده اند، پانصدسوار را به همراه پانصد طبل باز توصیف کرده است: «فَرَجَعَ ابْنَ كَرَّ وَ مَعَهُ مِنْ جُيُوشِهِ إِلَى الْجِسْرِ بَغْدَادَ، وَ وَقَفَ عَمَهُ بِظَاهِرِ الْجِسْرِ عَلَى الشَّاطِئِ، وَ مَعَهُ خَمْسَ مِائَةِ فَارِسٍ بِخَمْسِ مِائَةِ طَبْلِ بَازٍ» (همان جا).

در شاهد زیر از کتاب «الحوادث الجامعه» نیز به کوبیدن طبل باز در جریان نبرد اشاره شده است: «فَأَشَارَ عَلَى أَصْحَابِهِ أَنْ يَكْمِنَ لَهُمْ بِنَفْسِهِ، فَوَافِقُوهُ عَلَى ذَلِكَ، فَكَمَنَ بَوَادِي الْكِرْكِ، فَلَمَّا التَّقُوْا وَ اقْتَتَلُوا انْهَزَمَ الْبَحْرِيَّةُ خَدِيْعَةَ فَتَبِعَهُمُ الدَّمَشَقِيُّونَ حَتَّى جَازُوا الْكَمِيْنَ، فَخَرَجَ الْبِقْدَارُ عَلَيْهِمْ فَيَمِنُ مَعَهُ وَ هُوَ يَضْرِبُ طَبْلَ الْبَازِ، فَأَعَادَ الْبَحْرِيَّةُ الْكِرْكَ عَلَيْهِمْ، فَانْهَزَمُوا وَ تَمَّتِ الْهَزِيمَةُ» (ابن فوطی، ۱۹۹۷: ۱/۳۱۶).

نمونه دیگر از کتاب «اعلام الوری» بیان می شود: «وَ أَخَذَ مَا فِيهَا مِنَ التُّحْفِ وَ آلَاتِ السَّلَاحِ الْفَاحِشَةِ مِمَّا كَانَ بِهَا مِنْ ذَخَائِرِ الْمُلُوكِ السَّافِلَةِ، مِنْ سُورِجِ ذَهَبٍ وَ بَلُورٍ وَ عَقِيْقٍ وَ كِتَابِيْشِ زَرْكَشٍ وَ طُبُولِ بَازَاتٍ وَ بَلُورٍ وَ مِيْنَةٍ وَ بَرَكْسْتَوَانَاتٍ مَكْتَفِيَّةٍ وَ أَكْوَارِ زَرْكَشٍ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنَ التُّحْفِ الْمَلُوكِيَّةِ» (ابن طولون، ۱۴۰۴: ۲۷۴). در این متن مشاهده می کنیم که ابن طولون طبل باز را به طور واضح در دسته (آلات السّلاح = جنگ افزارها) بر شمرده است.

در متن زیر از کتاب «عقد الجمان» نیز به لشکریان گفته می شود که با شنیدن صدای طبل باز خارج شوند و راه دشمن را بگیرند. «ثُمَّ إِنَّهُ فَرَّقَ أَصْحَابَهُ مَا بَيْنَ تِلْكَ الرُّجُومِ، وَ قَالَ لَهُمْ: إِذَا سَمِعْتُمْ حَسَّ الطَّبْلِ بَازٍ اِخْرَجُوا وَ امْسِكُوا عَلَيْهِمُ الطَّرِيقَ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ أَنَا آخِذٌ عَلَيْهِمُ الدَّرْبَ مِنْ خَلْفِهِمْ» (بدرالدین العینی، ۱۴۰۹: ۴۵۳/۴).

در پانویشت کتاب «التجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة» نیز مشخصاً از طبل باز با عنوان «طبل باز حربی» نام برده شده است: «فَهَجَمُوا عَلَى جَرِبَاشٍ وَ هُوَ فِي بَيْتِ قَوْصُونَ فَانْهَزَمَتْ جَمَاعَتُهُ وَ جَمُوعُهُ فَأَخْذُوهُ مِنْ وَقْتِهِ إِلَى السُّلْطَانِ وَ هُوَ رَاكِبٌ حِصَانٍ بُوْزِ عَلَيْهِ جَنَبِيْنٍ وَ طَبْلِ بَازٍ حَرْبِيٍّ». (ابن تغری بردی، ۱۳۹۲: ۱۶/۲۶۲). نکته سودمند و جالب توجه دیگر این که طبل باز در برخی از نگاره های کهن شاهنامه به تصویر درآمده است. در این نگاره ها که

مربوط به صحنه‌های رزم در شاهنامه است، طبل باز را در کنار زین اسب رزم‌آوران و مبارزان مشاهده می‌کنیم. در ادامه به چند نمونه از این نگاره‌ها استناد می‌شود.



شکل (۳) «نگاره رزم بهرام چوبینه با ساوه‌شاه» (رجبی، ۱۳۹۲: ۳۸۹). (مشاهده طبل باز، کنار زین اسب یکی از لشکریان ساوه‌شاه).



شکل (۲) «نگاره کشته‌شدن بارمان به دست قارن» (شاهنامه شاه طهماسب، ۱۳۶۹: ۲۵). (مشاهده طبل باز، کنار زین اسب یکی از لشکریان قارن).



شکل (۵) «نگاره رزم رستم با کاموس» (رجبی، ۱۳۹۲: ۲۷۳). (مشاهده طبل باز، کنار زین اسب رستم).



شکل (۴) «نگاره کشتی گرفتن رستم و سهراب» (رجبی، ۱۳۹۲: ۱۷۵). (مشاهده طبل باز، کنار زین اسب سهراب).

## ۵- نتیجه‌گیری

مرور بر اسناد و شواهد ارائه‌شده نشان می‌دهد که «طبل باز» علاوه بر آنچه که فرهنگ‌نگاران درباره این واژه نوشته‌اند، کاربرد و معنای دیگری نیز داشته است. بنا بر آنچه گفته‌شد، دریافتیم که طبل باز تنها در شکارگاه استفاده نمی‌شده است؛ بلکه با عملکردی متفاوت و کارکردی ثانویه در میدان رزم به کار می‌رفته است. با توجه به مستندات این نوشتار می‌توان گفت که رزم‌آوران از طبل باز با انگیزه، اهداف و در موقعیت‌های گوناگون زیر بهره می‌گرفته‌اند: شبیخون‌زدن، پیروزی، گردآوری و حرکت سپاهیان، ایجاد روحیه و نشاط در یاران و ترس و اضطراب در دشمنان، هنر‌نمایی و رزم‌آوری، نمایش هیبت و شکوه شاهان و مبارزان، مصاف‌خواستن و گاه برای تفأل و بشارت. گویا کارکرد آن بیش‌تر زمان شبیخون و به این شکل بوده است که مبارزان هنگام حمله به اردوگاه دشمن، یکباره شروع به نواختن طبل باز می‌کرده و با یادکرد نام پادشاه و سرداران خود و دادن شعارهایی مانند (پیروزباد و زنده‌باد) موجب آشفته‌گی و بی‌نظمی لشکر مقابل می‌شده‌اند.

ورود این واژه با مفهوم ثانویه آن در ادبیات عرب و ثبت تصویر آن به‌وسیله نگارگران شاهنامه، از دلایل و اسناد معتبر دیگر نگارنده در تأیید این سخن است که طبل باز، کاربرد رزمی و جنگی داشته است. با این اشارات در می‌یابیم که گزینش و کاربرد این واژه در بیت مورد بحث از شاهنامه، کاملاً موجه و منطقی بوده است؛ زیرا همان‌گونه که گفته‌شد این طبل یکی از جنگ‌افزارها و آلات شکوه و هیبت به‌شمار می‌آمده است که هر رزم‌آور و پادشاهی از جمله بهرام چوبینه می‌توانسته با خود داشته باشد. همچنین یادآوری می‌شود که در بخش‌های پیشین بیت مورد پژوهش، از شبیخون بهرام چوبینه بر خسرو پرویز سخن رفته است؛ پس با توجه به کاربرد طبل باز در شبیخون، همراهی طبل باز با بهرام هم ناسازگار با این بخش از شاهنامه نخواهد بود. علاوه بر این یکی از موقعیت‌های استفاده از این طبل، هنگام جمع‌آوری لشکر بوده که در این صورت نیز، با بخش یادشده از شاهنامه فردوسی سازگار می‌نماید.

در پایان با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، پیشنهاد می‌شود که در لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌های عمومی و تخصصی، ذیل واژه «طبل باز» علاوه بر معنای مانوس و پذیرفته‌شده آن، مفهوم و کاربرد دیگری که در این نوشتار به آن اشاره شد نیز ضبط شود.

## پی‌نوشت

۱. شاید دلیل محمدپادشاه برای سخن خود مبنی بر اینکه طبل باز مورد استفاده ترکان بوده است، شاهی است که در ادامه توضیحات خود به این شکل آورده است: به صحرانی که ترک من شکارانداز می‌گردد/ دل قالب تهی گردید و طبل باز می‌گردد (ر.ک: پادشاه، ۱۳۳۶: ۲۸۱۶/۴). اگر این‌گونه باشد، در نقد این سخن باید گفت که در ادبیات فارسی واژه «تُرک» کنایه از محبوب و معشوق است و نمی‌توان در بیت مزبور استناد به قوم «تُرک» کرد.
۲. آنچه که در تحفه‌سامی در معرفی امیرخانزاد آمده است، می‌تواند مؤید سخن فرهنگ‌ها مبنی بر استفاده میرشکاران از طبل باز باشد: «امیر خانزاد مشهور به طبل باز و از طرف خراسان است و اول به ملازمت همایون پادشاه بود و منصب میرشکاری بدو تعلق داشت... به جانب عراق آمد و بنا بر آنکه به پیش زین اسب طبل باز می‌بست، حضرت نواب صاحبقران به میر طبل باز او را نام‌بردی» (سام میرزا، ۱۳۱۴: ۳۳).
۳. شکل دیگری از واژه طبل باز، «طبلک باز» است که در برخی از فرهنگ‌ها و آثار ادبی ثبت شده است. برای نمونه به بیتهایی از خسرو و شیرین بسنده می‌شود: «در آن آماج کو کردی کمان باز/ از طبل زهره کردی طبلک باز» (نظامی، ۱۳۷۶: ۴۱).
۴. نقل نظر (فارمر/Farmer) در بخش فرهنگ‌های تخصصی به این دلیل است که او رساله‌ای با عنوان «ابزار موسیقی ترکیه در قرن هفدهم» نگاشته و در آن به معرفی آلات موسیقی ترکی پرداخته است که به نوعی فرهنگ کوچکی از آلات موسیقی به‌شمار می‌آید. برای آشنایی با این رساله (ر.ک: دانش پژوه، ۱۳۵۵: ۶۷-۶۶).
۵. بر این اساس نگاهی به «البیژه» به‌عنوان اولین بازنامه موجود به زبان عربی، می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار ما بگذارد. نویسنده این کتاب درباره طبل‌هایی که در شکار پرندگان نواخته می‌شده، گفته است: «فأذا رأيت الطير الذي عيئت عليه في الخليج، فلا تعجل بالارسال، وأمسك يدك واضرب الطبل، فإن الطير إذا علت رآها البازي فحينئذ أرسله، فأنه يصيد بإذن الله» (بازیار، ۱۴۱۶: ۱۸۳-۱۸۲). بازنامه نسوی کتاب دیگری از این دست بوده که البته به زبان فارسی نگاشته شده و درباره «طبل باز» این‌گونه اظهار نظر کرده است: «و آن بهتر است که اهل خراسان می‌کنند که دست بردارند و مرغ بنمایند و باز را بر پرانند و طبل زند تا مرغ برآید و بلند شود و باز به زیر او بازشود و به آسانی بگیرد...» (نسوی، ۱۳۵۴: ۱۰۸).
۶. وجود برخی شواهد نشان از آن دارد که این طبل کوچک تنها درباره «باز» کاربرد نداشته و پرندگان شکاری دیگری مانند شاهین و طغول نیز با نواختن این طبل در شکارگاه به پرواز درمی‌آمده‌اند. چنان‌که از ابیات گرشاسپ‌نامه برمی‌آید: «دل تیهو از چنگ طغول بداغ/ رباینده باز از دل میغ ماغ/ ز شاهین و چرخ آسمان بسته ابر/ رمان از غو طبل بازان هژبر» (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۷۰). و این بیت از منظومه همای و همایون: «غو طبل طغول در ابر بلند/ سرگور آهوتک اندر کمند» (خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۲۹). و نیز این گواه از شاهنامه فردوسی: «بزد طبل و طغری شد اندر هوا/ شکبیا نبد مرغ فرمانروا» (فردوسی، ۱۳۸۶: ۴۷۸/۶). و این بیت که در پانویشت شاهنامه بروخیم جزء ابیات الحاقی آمده است: «فتاده غو طبل طغول بر ابر/ گریزان ز گرد سواران هژبر» (فردوسی، بی‌تا: ۴۱۸/۱).

۷. برای دقتِ نظر، تمرکز و راحتی خوانندگان محترم، بخش‌های مربوط به «طبل باز» در نگاره‌های استنادشده این مقاله، به شکل دایره برجسته شده است.

۸. رستگار فسایی در پانوشت فارسنامه و در توضیح واژه «طبل باز»، علاوه بر تکرار آنچه فرهنگ‌نویسان درباره کاربرد آن در شکارگاه گفته‌اند، آن را به معنی «طبل بازگشت» هم دانسته است. مشخص نیست به چه دلیلی طبل باز را طبل بازگشت خوانده و - به‌عنوان سندی بر گفته خود- تنها به ذکر دو بیت زیر از سلمان ساوجی و مولانا اکتفا کرده است: طبل باز تو هر آنجا که به آواز آید/ نسر طائر کند از قلّه گردون پرواز (سلمان ساوجی). بشنیدم از هوای تو آواز طبل باز/ بازآمدم که ساعد سلطانم آرزوست (مولوی). (رستگار فسایی، ۱۳۷۴: ۲۱۴). شاید مصرع دوم از بیت مولانا ایشان را بر آن داشته است که این طبل را طبل بازگشت بدانند. در این زمینه، همسویی نظر رستگار فسایی و کزازی در توضیحات ایشان درباره طبل باز و ارائه شواهد یکسان، جالب توجه است. (ر.ک: همین نوشتار: نگاهی به شروع و گزارش‌ها).

۹. استاد خانلری اشاره گذرایی به طبل باز داشته و آن را «نوعی طبل، ضربی خاص» دانسته است (ر.ک: ناتل خانلری، ۱۳۶۴: ۱۷۲).

۱۰. یکی از نکات درخور توجه دیگر استفاده شاعران از واژه «طبل باز» در ستایش صاحبان قدرت است. آنچه که از بیت ظهیر فاریابی درمی‌یابیم، این است که احتمالاً این طبل از لوازم شکوه و هیبت به‌شمار می‌آمده است. بدان‌گونه که در نمونه‌های زیر نیز مشاهده می‌کنیم: انوری در ستایش دستور نظام‌الملک صدرالدین محمد می‌گوید: «ز نعل مرکب و از طبل باز تو گیرند/ هلال و بدر به چرخ بلند بر اشکال» (انوری، ۱۳۴۷: ۲۸۱). و این بیت از سلمان ساوجی که در ستایش سلطان اویس آمده است: «طبل باز تو هر آنجا که به آواز آید/ نسر طائر کند از قلّه گردون پرواز» (سلمان ساوجی، ۱۳۳۶: ۵۳۷).

۱۱. در روضات الجنّات علاوه بر نمونه‌ای که در متن آورده‌ایم، دو شاهد دیگر نیز وجود داشت که البته مستقیماً به واژه طبل باز اشاره نکرده‌اند؛ اما با توجه به محتوای آن‌ها می‌توان گفت که در این شواهد نیز منظور نویسنده کتاب همان طبل باز بوده است: «از صدای طبل جنگ، باز اجل در پرواز درآمده، چنگ به شکار جانها بازکرد» (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۱۹۸). و دیگر این: «از صدای طبل جنگ، طیور ارواح جنگ‌جویان از آشیان بدن چون باز در پرواز آمد» (همان: ۱۷۲). تصویرسازی نویسنده این کتاب از به‌پرواز در آمدن ارواح مبارزان بر اثر کوبیدن طبل جنگ مؤید این نکته است.



## کتابنامه

- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد. (۱۳۸۹). تاریخ طبرستان. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: اساطیر.
- ابن بلخی. (۱۳۸۵). فارسنامه. تصحیح گای لیسترانج و رینولد آلن نیکلسون. تهران: اساطیر.
- ابن تغری بردی، یوسف. (۱۳۹۲). النجوم الزاهرة في ملوک مصر و القاهرة. ج ۱۶. قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي، الموسسة المصرية العامة.
- ابن طولون، محمدبن علی. (۱۴۰۴). اعلام الوری بمن ولی نانباً من الاتراک بدمشق الشام الكبرى. چاپ دوم. تحقیق محمداحمد دهمان. دمشق: دارالفکر.
- ابن فوطی، عبدالرزاق بن احمد. (۱۴۲۶). الحوادث الجامعة. تحقیق بشار عواد معروف و عماد عبدالسلام. قم: رشید.
- آزجانی، فرامرز بن خداد. (۱۳۶۳). سمک عیار. ج ۵. تصحیح پرویز ناتل خانلری. تهران: آگاه.
- اسدی طوسی. (۱۳۵۴). گرشاسپ‌نامه. به اهتمام حبیب یغمائی. تهران: کتابخانه طهوری.
- اسفزاری، معین‌الدین محمد زمجی اسفزاری. (۱۳۳۹). روضات الجنات فی اوصاف مدینه‌الهرات. ج ۲. تصحیح سید محمدکاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.
- انوری، اوحدالدین علی بن محمد. (۱۳۴۷). دیوان. ج ۱. به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتب.
- بازیارالعزیز بالله فاطمی. (۱۴۱۶). البیّره. چاپ دوم. تحقیق محمدکردعلی بیروت: دار صادر.
- بدرالدین العینی، محمودبن احمد. (۱۴۰۹). عقدالجمان فی تاریخ اهل الزمان. ج ۴. تصحیح محمد محمدامین، قاهره: الهیئه المصریه العامه لکتاب.
- بنداری، فتح بن علی. (۱۹۷۰). الشاهنامه. جزء ثانی. تصحیح عبدالوهاب عزام. تهران: کتابخانه اسلامی.
- بیات، بایزید. (۱۳۸۲). تذکره همایون و اکبر. تصحیح محمدهدایت حسین. تهران: اساطیر.
- بیغمی، محمد بن احمد. (۱۳۴۱). داراب‌نامه. ج ۲. تصحیح ذبیح‌الله صفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- (۱۳۸۸). فیروزشاه‌نامه. به کوشش ایرج افشار و مهران افشاری. تهران: چشمه.
- پادشاه، محمد. (۱۳۳۶). فرهنگ آندراج. ج ۴. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابخانه خیام.
- تاریخ آل سلجوق در آناتولی. (۱۳۷۷). تصحیح نادره جلالی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- تنوی، احمد بن نصرالله. (۱۳۸۲). تاریخ آلفی. ج ۷. به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: علمی و فرهنگی.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۹). یادداشت‌های شاهنامه. بخش چهارم. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).
- خزنداری، امیرشهاب‌الدین قرطای العزّی. (۱۴۲۶). تاریخ مجموع‌النوادر ممّا جرى للأوائل و الأواخر. ج ۱. تحقیق محمدالحجیری و هورست هاین. بیروت: سلسله‌النشر الاسلامیه.

خواجهی کرمانی. (۱۳۷۰). همای و همایون. چاپ دوم. تصحیح کمال عینی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۵۵). «موسیقی نامه». هنر و مردم. فروردین ۱۳۵۵. شماره ۱۶۲. صص ۷۰-۶۲.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). فرهنگ دهخدا. ج ۹. تهران: دانشگاه تهران.

رامپوری، غیاث‌الدین محمد. (۱۳۶۳). غیاث‌اللغات. به کوشش منصور ثروت. تهران: امیرکبیر.

رجبی، محمدعلی و دیگران. (۱۳۹۲). شاهنامه شاه طهماسبی. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.

رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۴). فارسنامه ابن بلخی/ توضیح و تحشیه. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

رواقی، علی. (۱۳۹۰). فرهنگ شاهنامه. ج ۲. تهران: متن.

روملو، حسن. (۱۳۴۹). احسن التواریخ. به اهتمام عبدالحسین نوانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

زجاجی. (۱۳۸۳). همایون نامه. نیمه دوم. تصحیح علی پیرنیا. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

سام میرزا صفوی. (۱۳۱۴). تحفه سامی. تصحیح وحید دستگردی. تهران: ارمغان.

ستایشگر، مهدی. (۱۳۷۵). واژه‌نامه موسیقی ایران زمین. ج ۲، تهران: اطلاعات.

ساوجی، سلمان. (۱۳۳۶). دیوان. به اهتمام منصور شفق. تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه.

شاهکارهای نگارگری ایران. (۱۳۸۴). تهران: موزه هنرهای معاصر و مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی.

شاهنامه شاه طهماسب «هوتون». (۱۳۶۹). تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

شرف‌الدین علی یزدی. (۱۳۸۷). ظفرنامه، ج ۱. تصحیح سید سعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوانی. تهران:

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

طرسوسی، ابوطاهر. (۱۳۸۰). ابومسلم نامه. به اهتمام حسین اسماعیلی. تهران: معین، فطره و نشر انجمن ایران‌شناسی

فرانسه.

ظهيرالدين فاريابی. (۱۳۳۷). دیوان. به کوشش تقی بینش. تهران: کتابفروشی باستان.

عبدالرزاق سمرقندی، کمال‌الدین. (۱۳۷۲). مطلع سعدین و مجمع بحرین. ج ۲. تصحیح محمد شفیع. تهران:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فخر مدبر، محمد بن منصور. (۱۳۴۶). آداب الحرب و الشجاعة. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: اقبال.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). شاهنامه. ج ۲. به اهتمام توفیق هـ سبحانی. تهران: روزنه.

----- (۱۳۸۶). شاهنامه. دفتر ششم. به کوشش جلال خالقی مطلق و محمود امیدسالار. تهران: مرکز

دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).

----- (۱۳۸۶). شاهنامه. دفتر هشتم. به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ

اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).

----- (۱۳۸۹). شاهنامه. دفتر یکم. به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ

اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).

- (۱۳۸۹). شاهنامه، دفتر چهارم، به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).
- (بی‌تا). شاهنامه. تهران: کتابخانه و چاپخانه بروخیم.
- قاسمی حسینی گنابادی. (۱۳۸۷). شاه اسماعیل نامه. تصحیح جعفر شعاع کیهانی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۷). نامه باستان. ج ۹، تهران: سمت.
- مجم‌التواریخ و القصص (۱۳۱۸). تصحیح ملک‌الشعراى بهار. تهران: چاپخانه خاور.
- ملاح، حسینعلی. (۱۳۷۶). فرهنگ سازها. تهران: کتاب‌سرا.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۴). شهر سمک، تمدن و فرهنگ، آئین عیاری، لغات، امثال و حکم. تهران: آگاه.
- نسوی، ابوالحسن علی بن احمد. (۱۳۵۴). بازنامه. تصحیح علی غروی. تهران: مرکز مردم‌شناسی ایرانی.
- نظام‌الدین شامی. (۱۹۵۶). ظفرنامه. ج ۲. به سعی و اهتمام فلکس تاور. پراگ- چکوسلواکی: چاپخانه دولتی پداگوژیک.
- نظامی گنجوی. (۱۳۷۶). خسرو و شیرین. تصحیح وحید دستگردی. تهران: قطره.
- نفیسی، علی‌اکبر. (۱۳۴۳). فرهنگ نفیسی. ج ۳. تهران: کتابفروشی خیام.

Henry George Farmer. (jan, 1936). *Turkish Instruments of Music in the Seventeenth Century*. The journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland. NO.1. pp 1. 43.